

تعلیم و تربیت

مدیر مسئول: نصرالله فلسفی

شماره ۹

کلیه شماره ۱۳۱۳

سال دوم و سوم

صراط مستقیم

در تعلیم و تربیت

بتمام یکی از رجال معروف فاضل ایران

تشخیص اصول مفید و مهم در روش تعلیم و تربیت برای ملای که از لحاظ معنی کنونی این کلمات در عهد تمدن جدید تازه بخط ایجاد تشکیلات تربیتی افتاده و میافتند بقدری اهمیت اساسی دارد که شاید در ممالکی که در صف اول تمدن واقعند آن درجه اهمیت را نداشته باشند. از طرف دیگر اخذ لب نتایج بحث و فحص وغور و تفکر و مطالعه و تعمق و تجربه مالی راقیه برای ملای تازه کار بحدی سهل و باندازه موجب فلاح و افتادن از ابتدا در شاهراه عقل و منطق است که بیان کامل آن محتاج بشرح وافی است. اشتباه و گمراهی از اول امر در بعضی خطوط اساسی بتقلید ملای که در عهد ناپختگی و کم تجربهگی خود بعضی راههای منحرف از جاده حقیقت افتاده اند و حال سعی ممتدی برای برگشتن از آن راهها لازم دارند روانیست و موجب اتلاف یک قرن از عمرات جوانی تواند شد.

بعقیده نگارنده این سطور بزرگترین حکمتی که از تجارب اولاد و تحقیقات فلاسفه و ره شناسان برای ما حاصل شده حفظ میزان اعتدال است در هر امری از امور عالم. و کمال مطلوب اجتماعی بشر اگر حصول پذیر باشد همان اعتدال بوده و عاقل و حکیم کسی است که بقدر مقدور بآن صراط باریک نزدیکتر شود.

گذشته از امور ظاهری و سبک که محاسن اعتدال در آنها روشن است در هر امر مهم و مطلوب و حتی عالی ترین و بهترین اصول مقدسه نیز افراط و تفریط موجب گمراهی و باعث مضرات جبران ناپذیر اجتماعی است. مست خرابی و شیخ صومعه که از گوشت گوسفندی که گیاه خاك نه در بای خشك شده را که سابقاً يك قطر می ناب در آن افتاده بوده است خورده اجتناب میکنند هر دو در نظر عارفان صاحب نظر و عاقلان میانروی قدر و گمراه بوده اند که نه مطلوب بیر مغفاند و نه پسندیده اهل ایمان و عرفان. فقیهی هم که نگاه به « نامحرم » و شنیدن صدای لطیف دختری یازده ساله را گناه می شمارد با جوان بلهوس آرایش کرده که شب تا صبح در قهوه خانه با دختران زیبا و لولیان هر جایی مبرقصد در نظر انسان عارف فرق زیادی ندارند. این دو مثال را میتوان آسانی دو بست کرد و در هر کار و هر صفت و هر خصلت و هر کیفیت و هر رشته سنجیده و کاملاً صحت آن را دریافت ولی در مورد بعضی امور محبوب و مطلوب که گاهی افکار عامه تربیت شدگان بمنتهی درجه بآنها متوجه و طالب است و حتی نوعی از برستش و عشق نسبت بآنها پیدا شده و میشود درك این حقیقت بسهولة موارد امور عادی مذکور در فوق نیست مثلاً امروز ورزش بدنی و تعلیم عمومی و عفت اخلاقی و نظم در زندگی و انتظام اجتماعی و اداری و راستگویی و مردانگی و شهامت و بهلولوانی و ثروت و دوستی ادبیات و طلب علم و تدبیر و وطن دوستی که طرف ستایش و تشویق و ترویج پیشروان تمدن و اخلاق دوست است چگونه میتوان مضرات افراط را در آنها واضح و بین شمرد؛ خصوصاً که دو عامل مهم برضد این ادراك حقیقت در کارند یکی آنکه هر وقت ذوق عمومی از زیاده روی اتفاقی در يك امری در دوری از اذادوار منزجر و با اصطلاح معروف میر شده و یا سرخورد قهرراً با فرراط در جهت مخالف میگراید و اکراه از يك افراط که شاید موقتی بوده طبعاً با فرراط متقابل بر میانگیزد. دوم آنکه بدبختانه مایه تشویق و قوت ترویج هر امری در طباع ضعیف بشری مبالغه است و اغراق و تحریص بر افراط نمك و عظ و تبلیغ در هر کاری شده است و این خود برای کم مایه ها و کوته نظران خطرناک است. اگر پیشروان ماتی يك نقصی را در قوم خود بسیار مضر دیدند از شدت علاقه بدفع آن اغلب با شوری جوشان و خروشان و اعتقادی راسخ و ایمانی

مشتمل تقصی دیگر را که تقیض آنست ترویج و گاهی بدون التفات بمضرات آینده فاسد را بافسد دفع میکنند و مانند اعلانات بعضی دواجات چیزی را که ترویج میکنند دافع تمام امراض و موجب طول عمر و اعاده جوانی و روشنی چشم و سیاهی و وجوه میدهند. فرق کوتاه نظری و دوراندیشی نیز در همین است که شیخص برای استخلاص از يك آفت فعلی که در نظر او بسیار بزرگ مینماید آفت دیگری را برای اخلاف احداث و آبیاری تبایغ بر حرارت و وبالغه در قابوب و طباع راسخس میکنند یا آنکه در عین اصلاح نقص راه تعدیل را می پیماید.

نتیجه بی احتیاطی درین کار پس از مدتی دراز ظهور می کند و مثلاً دیده میشود که جمعی که بظاهر عقلای قوم بودند اند از رادخبر خواهی و اصلاح طلبی جماعتی را که روی عقل آنها سرپوش ظلمتی بنام تعبد و تقلید و اوهام و خرافات بوده و از عام و حکمت دور و مدعی علم بکلیه حقائق عوالم کون و امکان از راه مکاشفه و انسان دیگری بودند از زندان جهالت و ضلالت آزاد نموده و عقل آنانرا از بند و زنجیر خلاص کردند ولی چون در حصول این مقصود طریق افراط پیبوندند از آن جماعت مذکور گروهی کم مایه و پرمدها پدید آمد که تصور میکنند غیر از عرصه که بحاط نظر و علم آنهاست چیزی وجود ندارد و آنچه هست کشف و درک شده و حقیقت مجهولی نمانده و لذا باید صوفیان را در معدن زغال سنگ بکار واداشت و خانقادهای راه سینما و قهوه خانه رقص تبدیل نمود و بقول سیاحت نامه ابراهیم بیگ «درین دوره تمدن و صنعت» باید عوض خال سیاه مشکین عاشق زغال سنگ شد و بجای کمان ابر و بی توپ مسلسل رفت. نتیجه اقدامات خیرخواهانه شاه اسمعیل و اخلافش در حفظ مذهب ملی ایران با عدم حفظ سبب ان اعتدال افراطهای بی معنی قرن اخیر شد که مردم بد بخت ایران در شوارع عمومی لخت و برهنه خود را بخاطر فضا و شبر و زعفر جنی مجروح و ناقص میکردند. برای رفع افراطی که در ادب در اطفال ایرانی شده بود فعلا افراطی در بی ادبی احداث و ایجاد میشود که در هیچ چه فرنگی عشر آن پیدا نمی شود.

چیزی که امروز مطمح اظار و طرف توجه پیشوایان افکار در ممالک شرق است وطن دوستی و کسب علم و قوت و قدرت و عظمت مات است و چون مادر این جنبه

سالیان دراز عقب مانده و در خواب غفلت بوده ایم و حالا مقدمه انتباهی دیده میشود بعضی پیشروان بلکه اغلب آنان در ترویج این امور یعنی وطن دوستی و تعاقب به عملیت و قوت مملکت و نظایر آن راهی می بینایند و طریقی اختیار کرده اند که بعید نیست مردم را از حقیقت و اعتدال دور ساخته تخم فساد و جرم مضرى برای آینده در کمون ذخیره نمایند. شکی نیست که دوستی مملکت و مات خود و فداکاری در بهبودی حال آنها یکی از صفات مقدسه میباشد زیرا که از خود گذشتگی است در راه خوشی و سعادت نوع و البته از نوع نیز آنچه نزدیکتر بانسان است تاحدی مقدم تر است ولی در مقام ترویج این صفت مستحسن که امروز ملت ما بداشتن آن کمال حاجت را هم دارد نباید آنرا چنان جلو داد که شخص را از همه صفات عالی و مقدسه دیگر بی نیاز میسازد و یا خوبی و بدی هر چیزی بآن سنجیده میشود. نباید در اذهان جوانان فرو نشانیده شود که دوستی ملت خود با دشمنی ممالک دیگر توأم است و قدرت و عظمت و سعادت ملت در جنگ با خارجیان و غلبه بر آنان و گرفتن خاک و ثروت و حقوق انسانی آنها است. اگر خدای نخواست امروز در ترویج صلت محتاج الیه وطن دوستی این رویه استعمال شود و با اصطلاح بعضیها جوانان ملت را بیرو مسلك ضاد و الف نعمایم یقین است که مضرات آن در آتی برای سلامت عقل و مزاج و ذوق ملت و سعادت دنیوی اگر بیش از یقیدی سابق یعنی تفریط نباشد کمتر نخواهد بود. این حرف را امروز کمتر کسی جرأت میکند بگوید و پندی آزاده وار بدهد ولی وقتیکه کتب شیخ صدوق و شیخ طوسی و نوبختی و سید مرتضی علم الهدی را در تشیع با کتاب شهاب ثاقب ملا محمود نظام العلماء که در مثال و مطاعن خلفاء از هزلیات سوزنی و بغما و قافانی صد برابر بدتر و زشت تر و کثیف تر است (در ایران چاپ شده و کتاب مرغوب بعضی آخوندهای بیشرم پنجاه سال پیش بود) مقایسه بنمائید معنی این اخطار آشکار میشود.

بنابراین در عین ترویج ورزش بدنی و بازیهای ورزشی که از الزم لوازم امروزه برای ملت ایران است از جنبه افراط آن از قبیل استغراق اوقات باین کار و بازیهای وحشیانه مانند بوکس و مسابقه های خطرناک اتوموبیل و نظایر آن باید برهیز شود. بهاوانی و مردانگی و شهامت و شرافت مندی صفت عالی و مروج جوانمردی است لکن افراط در «مشدیگری»

و مبارزه (دوئل) کردن سر هر حرف تعرض آمیز و دعوای شرف در هر کلامه جز ستیزه و معرکه که جزئی نخواهد بود. نظم در زندگی و پیروی انتظام در امور اجتماعی و اداری ذاتاً از صفات مستحسنه و مخصوصاً برای مات ما که خوی با آزادی مفرط و بی بند و باری کرده از ضروریات است لکن در مقام ترویج این صفت نباید بطوری از آن سر بام افتاد که انسان آزاد جهان قراخ را برای خود و بدست خود زندان و تن زنده را ماشین بیجان ساخته و عمر یکباره را در تحت قیود بسیار سخت طاقت شکن و تلخ و یا بیمزه بسر آورد. ثروت عمومی ترین مطلوب بشر است و مایه بسیاری از سعادت‌ها و گشاینده مشکل هاست و وعظ بر ضد تحصیل ثروت از راه مشروع و بی قبدهی بدنیا اضلال و اغفال لایغتنفر است لکن ولع مفرط در جمع نقدینه بهر وسیاۀ مشروع و غیر مشروع ام الخبائث فساد های اجتماعی است. تدین بك و بی تعصب که منزله از قشریات خنك و بیمزه و بی روح میباشد دست و دل و جان انسان را از خیلی آلود گیها بك نگاه میدارد و معاشرت با دارنده ایمان را بر هر کس گوارا میسازد. اعتماد حقیقی را جلب و معاونت بنوع خصوصاً بد بختان را باعث میشود ضمناً صفای روح و راحت قلب و خضوع و وجدانی که نتیجه آنست خوديك عالمی است که با زور و زر نمی توان بدست آورد ولی جنبه های بد و شرهای افراط در این رشته و منحرف شدن آن از صراط مستقیم خود و طاری شدن تعصبات کثیف و ظواهر بیمزه و اعتقادات مضر و بی معنی و عمر تلف کن و عوارض و پیرنگ و ساز بشمارای که جزو اصول و فروع آن شده و اغلب اصل را مستحیل و جزو ضعیف یا اصلا گم کرده است صد هزاران بار نتایج مضره آنرا از فواید اساسی آن بیشتر نموده و موجب هزاران سال جنگها و خونریزیها و فتنه ها و بیرحمی ها و وحشیگریهای سبعانه شده که طاعون و سل و حصبه آن کار را نکرده است و همین تعلیمات افراطی است که شاگرد و معلمین دارالمنون طهران را در قریب هشتاد سال قبل بر سر کت در مثله کردن شخصی که اعتقاد بخدا و انبیاء هم داشته ولی مجذوب اعتقاد دینی جدیدی شده بود برانگیخت. از هزاران مثال ممکن اگر فقط کتب اشعری و با حلیه المتقین و جنات الخاود خودمانرا باباب طهارت کتب فقه در نظر بیاورید نتایج مسخ دین در اثر افراط روشن میشود.

تعلیم عمومی امروز از ضروری ترین و مفیدترین مقاصدملی ایران جدید باید شمرده شود معذک اگر در اندازة تعلیم و میزان معتدل آن افراط شود بدار انتخاب قسمت‌هایی از عام که باید تعمیم گردد براه خطا برویم پس از نیم قرن قومی بوجود خواهیم آورد که افراد آن نه صحت مزاج خواهند داشت و نه سلامت عقل و ذوق.

همچنین وطن دوستی نیز مایه بقای ملت و اتحاد قومی و تعاون اجتماعی است و هم وسیله حفظ ممالک از شر طمع خارحیان لکن ایجاد یک رقابت شدید با مال خارجه و مسابقه و مقابله در هر امری با آنها و مربوط کردن فواید و لزوم هر امر مستحسن و هر رشته از آثار تمدن را باینکه رقیب در آن رشته پیش افتاده یا میافتد مضراتش بر فواید آن غلبه دارد. اگر کسی امروز در اوضاع و احوال بعضی مال بالخصوص از ملتهای اروپا غور و سیر عمیق نماید خواهد دید که اغلب بلکه همه مساعی آنها در هر رشته از ترقیات صنعت و فلاح و علوم مختلف از لحاظ رقابت با قومی دیگر است که او را دشمن خود میدانند و تصور میکنند چون آن قوم زراعت خود را اصلاح کرده ویم آنست که در موقع جنگ از این راه پیش بیفتد پس باید زراعت این مملکت را نیز اصلاح نموده و ترقی داد (مثل اینکه اصلاح زراعت فی حد ذاته مطاوب و شایسته توجه نیست). بدترین نتایج این رویه که از آغاز نشو و نمای اطفال ملل در تعلیم و تربیت آنها بدیختانه داخل کرده اند همانا امر شنیع و قبیح غیر طبیعی جنگ ملل است که با هیچ فایده دیگری در عالم حیران نمیشود. درین زمینه گفتنی بسیار است ولی رعایت اعتدال در ضبط و تصرف صفحات مجله شریفه نیز ضروری است. ح . ت .

قطعه

اثر طبع شاهزاده محمد هاشم مرزا افسر

آن درختی که دانه کشت بود	میوه اش را نمی کنند بسند
مگرش باغبان ببرد شاخ	شاخ بهتر بد آن کند بیوند
ای پدر تربیت چو پیوندی است	که بر خوب از آن دهد فرزند

افسر